

سرمقاله

وعده هایی که باز هم عملی نشد

حفیظ الله زکی

اگر به یکسال گذشته برگردیم و وعده های دو کاندید پیشناز ریاست جمهوری را به یاد آوریم، می بینیم که پس از گذشت هفت ماه از تشکیل حکومت وحدت ملی به هیچ یک از وعده های داده شده عمل نشده است.

گرچند در همان زمان هم معلوم بود که بسیاری از آن وعده های کلان هرگز عملی نخواهد شد، اما حد اقل انتظاری رفت که برخی از آن وعده ها که عملی ساختن آنها در توان حکومت هم بود، تحقق پیدا می کرد.

افغانستان از آغاز تشکیل تاکنون با بحران های سلسله ای و پیاپی روبرو بوده است. این بحران ها در اثر نادانی، جهل، تعصب، ضعف و وابستگی حکومت ها نه تنها حل نگردید که متأسفانه به شکل رسمی به قانون و به صورت غیر رسمی به رسم و رویه اجتماعی تبدیل گردید و افتراق و نفاق را در میان اعضای جامعه دامن زد و وحدت و همزیستی مسالمت آمیز افراد را در جغرافیای این کشور ناممکن ساخت.

ظالمانه و ناکارا بودن حکومت ها و عدم مشروعیت قانونی و مردمی آنها، سبب می شد تا دولتمردان همواره مردم را دشمن بالقوه خود بدانند، و از آن ناحیه احساس خطر کنند.

این احساس باعث می شد که حکومت ها افکار قوم پرستانه را در جامعه ترویج و تقویت کنند و در سایه این افکار حاکمیت شان را حداقل در نزد بخشی از مردم مشروعیت بخشند و حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی آنها را بر معیار همغزنی و هم نژادی به دست آورند.

سرنان حکومت های گذشته در عرصه داخلی از سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده می کردند و همیشه وحدت و انسجام اجتماعی را به ضرر و زیان خود تلقی می کردند و آن را به نفع دوام و ثبات حاکمیت نامشروع و ظالمانه شان نمی دانستند. اساس تمام نابسامانی هایی که امروز مردم افغانستان از آن رنج می برند، در همین سیاست های تفرقه افکنانه، تبعیض آمیز و ظالمانه ای نهفته است که در طول تاریخ عامدانه از سوی حکومت های افغانستان دنبال شده است.

فصل نون سیاسی که نظام آن بر مبنای مشارکت و سهم گیری عادلانه همه شهروندان کشور بنا شده است، این امیدواری را پدید آورده بود که به سیاست های تبعیض آمیز و ناعادلانه پایان داده شود و به همه افراد ساکن در این کشور فرصت داده شود تا باسویه از فرصت ها، امکانات و منافع ملی بهره ببرند. همه در برابر قانون مساوی باشند و قانون به صورت یکسان بر همه شهروندان تطبیق و اجرا گردد.

در سال های اول زمینه های خوبی برای همدلی اجتماعی پدید آمده بود و نگاه قوم گرایانه تا حدودی با دوری و واکنش منفی اعضای جامعه مواجه می شد:

اما تقاله های بیجا مانده از خلق و خوی استبدادی و انحصار گرایی، وضعیت موجود را به نفع خود ندیدند و بار دیگر تلاش کردند تا در دامان تفکرات قبیله ای گذشته پناه ببرند و از پیشخور فرهنگ و سنت قبیله ای به منافع و امتیازاتی دست یابند که در بسترهای قانونی رسیدن به آنها برای شان محال و دست نیافتنی خواهند بود.

از آنجایی که فرهنگ سیاسی و قبیله ای گذشته هنوز هم در بسیاری از قصابات و دهات این کشور طرفداران خود را داشتند، مدعیان سیاست های قومی به راحتی توانستند بر موج احساسات قوم گرایانه تکیه زده و جریانات سیاسی و اجتماعی را به سمتی که خود می خواستند، جهت دهند.

از این لحاظ ما از چندسال گذشته بدین سو دچار نوعی عقب گرد در رویه های سیاسی و اجتماعی خود شده ایم.

عقب گردی که بجای پیشرفت و ترقی کشور و تأمین برابری و عدالت برای همه شهروندان، به تفکیک اجتماعی بر معیار جنس، مذهب و نژاد تأکید می ورزند و کنگوری های خاصی را مستحق می دانند تا حد اکثر منافع و فرصت های ملی را در انحصار داشته باشند. این نگاه و تفکر تنگ نظرانه امروز هم مانع تطبیق بسیاری از پروژه های ملی گردیده و بسیاری از وعده ها را غیر عملی می سازند.

چند روز پیش گروه طالبان بر دادستانی بلخ حمله نمودند. این حمله منجر به کشته شدن تعداد زیادی از هموطنان ما شد. ذبیح الله مجاهد سخنگوی گروه طالبان مسئولیت این حمله را بر عهده گرفتند. در حمله دیگرس در ننگرهار ۴ کشته و ۱۲ زخمی برجا گذاشت. موتری در ولایت غزنی با ماین کنار جاده برخورد نمود و دوازده سرنشین آن کشته شدند. بیش از صد تن از دانش آموزان در ولایت هرات مسموم شدند. این ها از رویدادهای امنیتی است که در چند روز گذشته اتفاق افتاده است. اگر چه مسئولیت ماین گذاری غزنی و مسموم شدن دانش آموزان در هرات را کسی بر عهده نگرفته است ولی تجربه سال های گذشته نشان داده است که گروه های مخالف مسلح دولت یا مخالفان سیاسی دست به کار های این چنینی می کند. حال سوال این است که پرونده مسلح با وجود این حملات و رویدادها به چه معنی است. چرا تنها نگاهی یک سو به گروه های مخالف مسلح می شود. حمله بر دادستانی بلخ چند مسئله را می رساند. اول: حمله بهاری گروه های مخالف مسلح دولت یا مخالفان سیاسی حکومت آغاز شده است. هر سال با گرم شدن هوا، گروه طالبان به عنوان مهمترین گروه مخالف مسلح دولت حملات خود را دوباره در فصل بهار آغاز می کند و موجب کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان بی گناه کشوری می شود. حملات هر ساله گروه طالبان باید این درس را به حکومت آموخته باشد که در این فصل سال تدابیر شدید امنیتی اتخاذ نماید تا حملات گروه های مخالف مسلح جلوگیری و خنثی نماید اما رویدادهای بلخ، حمله بر کاروان ناتو در ننگرهار نشان می دهد که حکومت با نگاه یک سو به تنها در فکر پرونده مسلح است و یا هم درس عبرت از سال های گذشته نگرفته است. دوم: حملات گروه های مخالف مسلح دولت در سال های قبل از جنوب کشور آغاز می گردید. حمله بر دادستانی بلخ این واقعیت را بر ملا می کند که گروه های مخالف مسلح دولت در صدد

تغییر میدان جنگ است. آن ها در صدد کشاندن جنگ از جنوب کشور به شمال کشور است. این تغییر میدان جنگ می تواند تمام کشور را ناامن سازد. زیرا، بخش زیادی از مناطق جنوب خارج از قلمرو حکومت است و عملاً گروه های مخالف مسلح دولت همانند گروه طالبان حاکمیت دارد. ناامن ساختن ولایات شمال کشور باعث می شود که قلمرو حاکمیت دولت تنگتر گردد. این دومین بار است که در غزنی موتری با ماین کنار جاده برخورد می کند و سرنشینان آن را می بلعد. چندی پیش موتری از ولسوالی جاغوری با ماین کنار جاده برخورد کرد و هشت تن از سرنشینان آن کشته شد. ۱۲ تن دیگر چند روز پیش در ولایت غزنی و ولسوالی قریاغ کشته شد. اگر چه مسئولیت این کار را کسی بر عهده نگرفته است اما به نظر می رسد که این یکی از کار های گروه های مخالف مسلح دولت باشد.

مسموم شدن دانش آموزان در هرات رویداد دیگری است که کسی مسئولیت آن را بر عهده نگرفته است ولی تجربه سال های گذشته نشان می دهد که گروه مخالف مسلح دولت به خاطر مخالفت با مکتب و معارف دست به مسمومیت دانش آموزان می زند. همان طور که در بالا متذکر شدم، حملات بهاری گروه طالبان آغاز شده است و در روز و ماه های آینده این حملات افزایش خواهد یافت. بنابراین، انتظار می رود که حکومت و نهاد های امنیتی تدابیر جدی امنیتی روی دست گیرد تا مبادا دیگری، شاهد رویداد وحشتناک باشیم. اما این مسائل این سوال را در ذهن خلق می کند که پرونده مسلح به چه معنی است.

پرونده مسلح از سوی حکومت کرزی پایه گذاری شد. در دوره حامد کرزی، پرونده مسلح جان رئیس خود یعنی برهان الدین ربانی را گرفت. با وجود آن بر پرونده مسلح تأکید شد. تلاش های داخلی و خارجی همچنان وجود داشت. با روی کار آمدن اشرف غنی پرونده مسلح به صورت جدی

درنگی بر پروسه صلح

علی قادری



تر دنبال شد. بخش از سیاست خارجی معمد اشرف غنی بر محور پروسه صلح می چرخد. نزدیکی با پاکستان و عربستان سعودی و قطر و اسارات از جمله نشانه های است که سیاست خارجی اشرف غنی بر محور صلح می چرخد. مشکل اصلی و جدی حکومت در سیاست گذاری داخلی این نکته را باید متذکر شوم که دست یابی به صلح و تلاش های صلح امر و خواست همگانی است. همه مردم افغانستان خواهان صلح است. از تلاش های حکومت در راستای دستیابی به صلح نیز حمایت می کند. اما پروسه ای که منجر به قربانی گرفتن مردم عادی و صلح جو شود امر و خواست مردم افغانستان نیست.

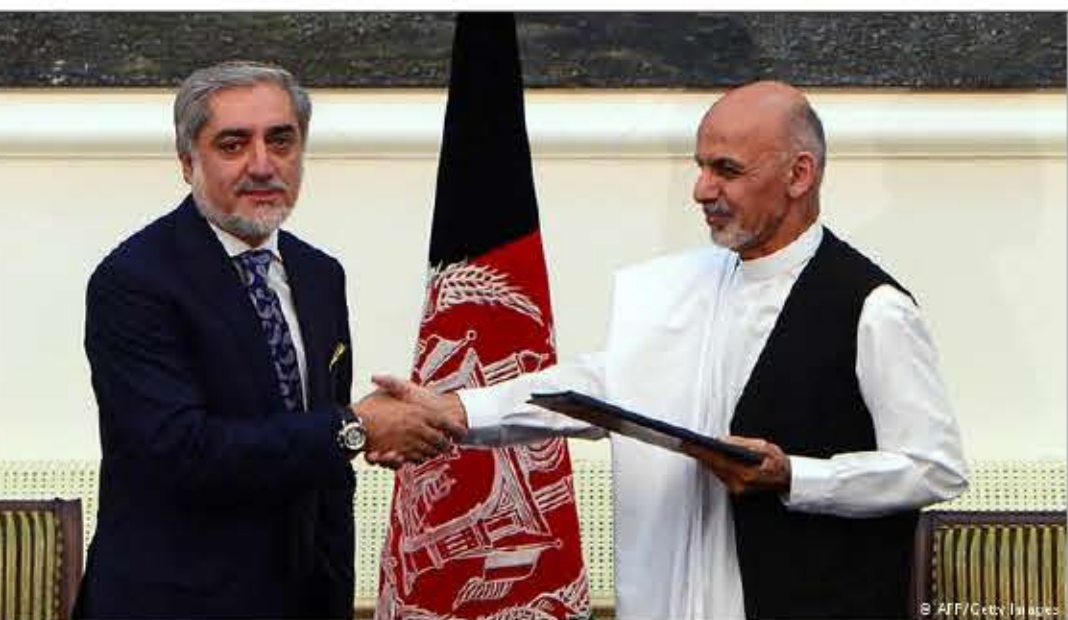
ضعف اصلی سیاست حکومت در دنبال نمودن پروسه صلح این است که فکر می کند همه گروه های مخالف مسلح حاضر به گفتگو و خواهان صلح است. واقعیت این است که همه شاخه و رهبران گروه طالبان خواهان صلح نیست. ممکن در پروسه صلح بخش از گروه طالبان به حکومت پیوند و برپروسه صلح بپایند ولی بخش دیگر شان همچنان به مخالفت با حکومت ادامه خواهد داد. بنابراین، کارگزاران حکومت لازم است که یک دسته بندی از گروه های مخالف مسلح دولت داشته باشند. یک مطالعه جدی صورت گیرد که کیهما و کدام یک از قومندانان گروه های مخالف مسلح دولت خواهان پیوستند با حکومت است و کدام گروه ها و قومندانان گروه های مخالف مسلح دولت خواهان ادامه مخالفت با حکومت است. بدون این دسته بندی هم پروسه صلح به بن بست می رسد و هم حمایت از پروسه صلح کاهش می یابد. این انتظار حتی از زمان حکومت حامد کرزی وجود داشت. انتظار می رود که حکومت وحدت ملی در پروسه صلح یک دسته بندی از گروه های مخالف مسلح دولت ارائه نماید. این مسئله منجر به وضاحت بیشتر برای مردم از پروسه صلح می شود. حملات گروه طالبان در ولایات مختلف و نگاه یکجانبه حکومت به

پروسه صلح و بی توجهی به حملات گروه طالبان نفس پروسه را زیر سوال می برد. انتظار می رود که حکومت افغانستان دستاورد سیاست داخلی و خارجی خود را مورد ارزیابی قرار دهد. اگر سیاست اش سودی برای حکومت و مردم دارد. به همین خاطر، انتظار می رود که هر از چند گاهی ارزیابی از سیاست ها و دستاورد ها صورت گیرد.

در پایان باید گفت که نگارنده مخالف صلح نیست. سیاست که مبتنی بر دست یابی به صلح تدوین و اجرا می شود، خوب است ولی سیاستی که دسته بندی از گروه های مخالف خود ارائه نکند و حملات گروه های مخالف مسلح را مورد توجه قرار ندهد. در یک کلام نگاه یک سو به مسئله داشته باشد، مورد پذیرش مردم نیست. از این جهت، لازم است که حکومت همانند حکومت کرزی به سیاست یکجانبه خود ادامه ندهد و هر از چند گاهی ارزیابی دقیق از سیاست های خود داشته باشد.

اکنون فصل همکاری و تفاهم سیاسی است

عبدالرحمن قهیعی



بحران های سیاسی می شوند. به نظر می آید که علل تنش سیاسی به عزل و نصب ها و فرایند اصلاحات انتخاباتی مرتبط است. معرفی نامزد وزارت دفاع ملی و رییس ستاد ارتش ملی و نیز رییس کمسیون اصلاح نظام انتخاباتی از مسایل تنش زا گفته می شود. گرچند بحث اخلاقی در دانش سیاست و توصیه ها و نکته های اخلاقی در بازی های بازیگران سیاسی اهمیت و جایگاه ندارد، اما، بایستی یک توصیه اخلاقی به دو تیم برسر قدرت کرد. اکنون رقابت های سیاسی را به پایان برده و تمامی توان های خود را در جهت مدیریت امور عمومی و بحران های که سبب راه مردم افغانستان یک به یک سبب می کند، به کار اندازید.

رقابت سیاسی بس است. ماه ها در دوران رقابت های انتخاباتی رقابت کردید. همدیگر را تقد کردید و هرچه ناسزا گفته می شد گفتید و پس از تشکیل حکومت وحدت ملی ماه ها برسر تقسیم کرسی های حکومت چانه زنی کردید.

اکنون رقابت ها را تبدیل به همکاری کنید. عرف سیاسی در تمامی جامعه های سیاسی این است که رقیب های دیروزین تبدیل به همکارهای امروزمین می گردند. پاراک اوپاما و خانم هیلاری کلینتن در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ آمریکا رقابت سیاسی را تجربه کردند. هر دو، نامزد انتخابات مقدماتی حزب دموکرات بودند.

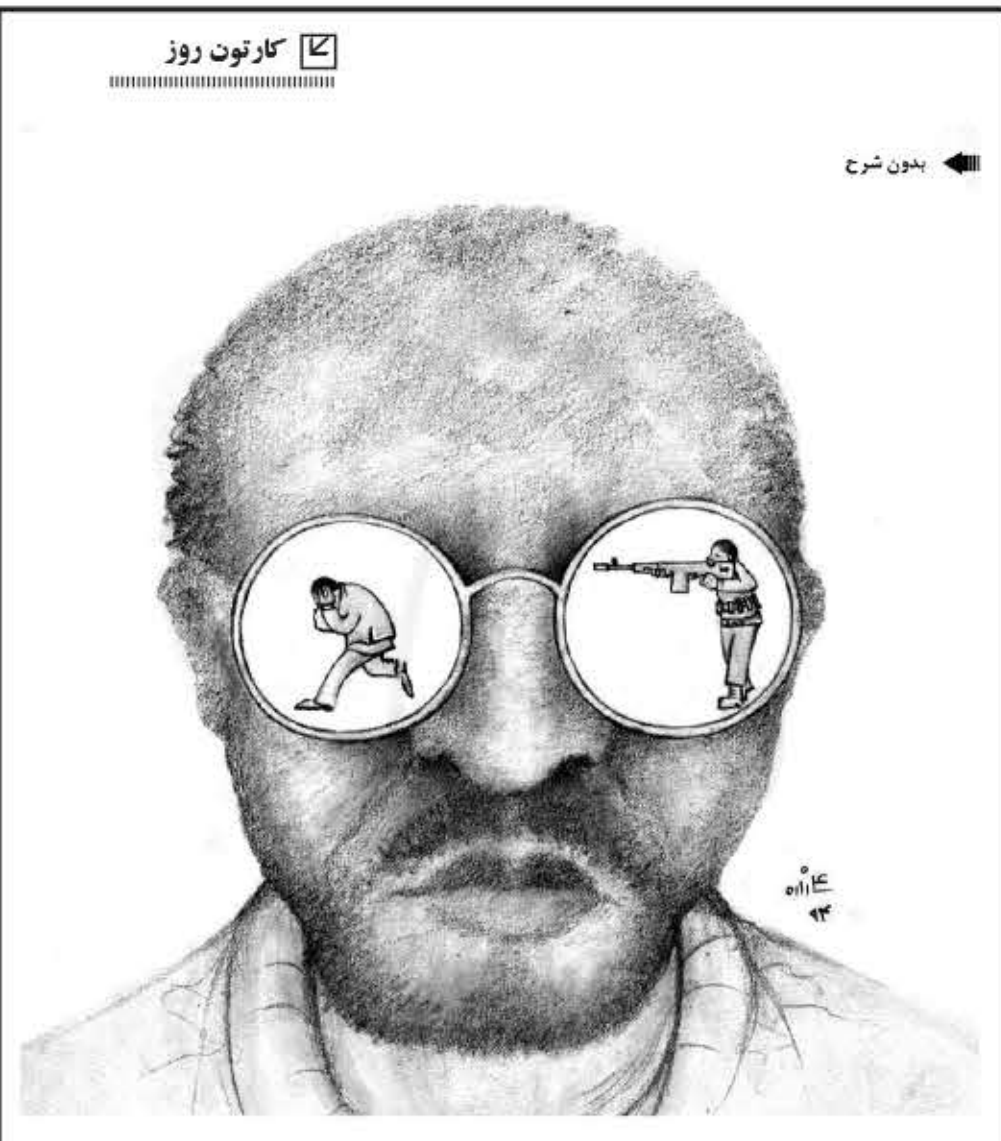
اما پس از پیروزی اوپاما، به همکاران سیاسی قدرتمند تبدیل گردیدند و اکنون که خانم کلینتن می خواهد نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ گردد، اوپاما از او به صورت قوی حمایت کرده و او را شایسته ریاست جمهوری خوانده است.

آقای غنی و عبدالله و معاونان ایشان نیز، باید رقابت ها را به پایان برده و همکاری های سیاسی را آغاز کنند.

کشور چالش ها و مشکل های جدی را سپری می کند. مشکل های اقتصادی و مشکل های امنیتی، همه و همه گریبان گیر کشور است. نزدیک به دو ماه است که ۲۱ نفر شهروند گروگان گرفته شده است. با این که مردم انتظار دارند، بحث گروگان گیری به صورت جدی مورد پی گیری قرار گیرد، اما آن گونه که دیده می شود حکومت با جدیت و قاطعیت این بحث را پی گیری نمی کند.

این کاستی ها باعث می شود که روند جنگ آسیب پذیر شود. تروریست ها به دستاوردهای دست یازند و نیروهای ارتش ملی کشور که سرمایه های ملی محسوب می شوند، از اثر نبود مدیریت و فرماندهی جنگ، تلف شوند. جنگ بدخشان نمونه بارز این امر است. طالبان به ولسوالی جرم ولایت بدخشان حمله کردند و تلفات سنگین و وزین بر نیروهای ارتش وارد گردیده است. شماری سربریده شده اند و شماری هم اسیر. گزارش ها وجود دارد که علل اسیر شدن و کشته شدن نیروهای ارتش ملی، کمبود وسعت و حتی نذار کات بوده است. واسطه های تقلیه نیروهای ارتش نفت تصام کرده بودند و تفنگ های شان از نبود مرمی رنج می برد. در این صورت مشخص است که کمک های نظامی رسانیده نشده و برخی از آن ها محاصره شده و به چنگ دشمن می افتند. درد آور این که گفته می شود، نفت واسطه های نظامی در این جنگ به فروش رسانیده شده است. به نظر می رسد که اگر رهبری نظامی و مدیریت درست جنگ وجود می داشت، چنین حادثه ای را شاهد نمی بودیم. پس با توجه به این چالش ها و مشکل های سیاسی، امنیتی و اجتماعی است که به تیم های قدرت توصیه می شود: رقابت ها و اختلاف ها را به پایان برده و اکنون جهت رفع چالش های عمومی با هم همکاری کنید.

بحث نظارت سیاسی از حکومت چه می شود؟ با تزلزل جایگاه حقوقی مجلس نمایندگان، حکومت به نظارت سیاسی تن خواهد داد؟ به نظر این نگارگر، برگزار نکردن انتخابات پارلمانی در سال جاری، مشروعیت حقوقی مجلس نمایندگان را با پرسش مواجه کرده و روند حکومت داری را خدشه دار می کند. پارلمان نمی تواند فشارهای لازم را بر حکومت اعمال کند. زیرا جواب که خواهد شنید این است که شما مشروعیت لازم را ندارید. و روند مبارزه با تروریست ها نیز دچار مشکل های جدی است. با این که شورای امنیت ملی کشور، چهارچوب های مشخص را در حوزه نظامی و امنیتی تعیین می کند و وزارت های دفاع ملی و امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی بایستی بر اساس آن رفتار نمایند، اما نبود وزیر دفاع ملی و مسئول ستاد ارتش، روند جنگ را با چالش های جدی مواجه می کند. یک کشوری که قربانی تجاوزهای تروریست هاست و هر لحظه در معرض آسیب پذیری قرار دارد، ماه هاست که وزارت جنگ اش وزیر نداشته و توسط سرپرست ها اداره می شود. ستاد ارتش را هم برکنار کرده و به عوض اش فردی دیگری تعیین نشده است. حتی فرماندهی نیروهای زمینی که می توانست محور خوبی در مدیریت جنگ ها گردد، آن سمت را هم حذف کرده اند.



- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN The Leading Print Business

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هئیت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com